

## تحول مفهوم عیب در مسئولیت ناشی از عیب تولید

سعید سیاه‌بیدی کرمانشاهی \*

### مقدمه مترجم

مفهوم «عیب» یکی از مباحث مهم حوزه حقوق قراردادها و مسئولیت مدنی است. در حقوق سنتی، عیب را هر نوع فزونی یا کاستی از اصل خلقت می‌دانستند، لیکن پرواضح است این تعریف، مناسب اموری است که دارای اصل خلقت باشند و برای کالاهای صنعتی که عمده‌ترین موضوعات خرید و فروش در عصر حاضرند، مناسب نیست. از دیگر سو مدت‌ها در بحث ضمانت‌اجرای عیب، سخن از اختیار فسخ قرارداد بود اما امروزه با تحول روزافزون صنایع و افزایش تولیدات که برخی از آن‌ها دارای خطر بالقوه نسبت به جان، سلامتی یا سایر اموال مصرف‌کنندگان هستند، مفهوم عیب و ضمانت‌اجرای آن خصوصاً در حوزه مسئولیت مدنی دچار تحول شده است. در حقوق نوین و با پذیرش نظریه مسئولیت محض تولیدکنندگان در حقوق مصرف، مصرف‌کننده برای دریافت خسارت، کافی است ثابت کند که کالا معیوب بوده و زیان وارده به وی ناشی از عیب آن بوده است. عیب نیز حسب مورد ممکن است در طراحی محصول، تولید یا در ارائه اطلاعات باشد، لذا تعاریف سنتی از عیب که عمدتاً منبعث از مباحث مربوط به حقوق قراردادهاست، کارا و تأثیرگذار به نظر نمی‌رسد. تحولات این حوزه، زمینه ظهور دو نظریه جدید از عیب در کالاهای صنعتی را فراهم نمود که مطابق یک نظریه، عیب کالا یعنی تخطی از عرف صنعتی، و طبق نظریه دیگر، به معنای تخطی از انتظارات متعارف یک مصرف‌کننده معمولی است. تقابل این دو نظریه در رأی حاضر به خوبی نشان داده شده و مبین آن است که در رویه قضایی آمریکا نسبت به پذیرش «انتظار

\* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه  
siahbidsaeed@gmail.com



مصرف‌کننده» به‌عنوان معیار سلامت و عیب کالا اختلاف وجود دارد؛ درحالی‌که برخی از قضات این معیار را در تشخیص عیب پذیرفته‌اند. برخی دیگر بر لزوم پذیرش معیارهای صنعتی به‌جای تکیه بر انتظارات مصرف‌کننده اصرار دارند. رأی حاضر که نشان‌دهنده تحول مفهوم عیب در مسئولیت ناشی از عیب تولید است، به جهت آشنایی با این تحولات و افزودن بر غنای مباحث مربوط به حقوق مصرف و مسئولیت مدنی، ترجمه و به خوانندگان تقدیم می‌گردد.

دعوی لندهارت علیه کمپانی فورد موتور<sup>۱</sup>

**102 Wn.2d 208 (1984)**

**683 P.2d 1097**

رأی ابرامی صادره از دادگاه تجدیدنظر حوزه قضایی نهم ایالات‌متحده در پرونده «ملوین. ای لندهارت» و «سایرین»،<sup>۲</sup> به‌عنوان تجدیدنظرخوانندگان علیه کمپانی «فورد موتور»،<sup>۳</sup> به‌عنوان تجدیدنظرخواه.

شماره ۴- ۴۹۵۹۰.

دادگاه عالی واشنگتن، در کرسی قضاوت<sup>۴</sup>

پنجم جولای ۱۹۸۴

قاضی «براختنباخ»<sup>۵</sup>

پیرو قسمت ۲۰۶ از کد اصلاح‌شده واشنگتن،<sup>۶</sup> دادگاه تجدیدنظر حوزه قضایی نهم درخصوص این پرونده یک سؤال مطرح کرده است و آن اینکه: مطابق قانون مسئولیت ناشی از تولید ایالت واشنگتن که بر دعاوی ناشی از صدمات پیش‌آمده در هشتم ژانویه ۱۹۷۹ حاکم است، آیا دو ویژگی طراحی و

1. Lenhardt v. Ford Motor Company.

2. Melvin E. Lenhardt, et Al.

3. Ford Motor Company.

۴. عبارت «در کرسی قضاوت» برگردان واژه «en banc» فرانسوی است و به این معناست که دادگاه (معمولاً دادگاه تجدیدنظر) دعوا را استماع نموده و با حضور تمام قضاتی که در آن زمان در جلسه دادرسی نشسته‌اند، تصمیم خود را می‌گیرد. عبارت «en banc» اشاره به مکانی دارد که قضات معمولاً هنگام استماع دعوا در آن می‌نشینند.

5. Brachtenbach, J.

6. RCW

عملکرد در تولیدات مشابه ساخته شده توسط سایر سازندگان در مقایسه با محصول معیوب مورد ادعا، معیارهای مناسبی برای تبیین انتظارات متعارف مصرف کننده عادی هستند؟

دادگاه حوزه قضایی نهم، در رأی ابرامی خود بیان داشته که ما به سؤال مزبور به کیفیتی که مطرح شده است، التزامی نداریم و می توانیم سؤال را به کیفیتی که مناسب می بینیم، طرح نماییم. بعد از بررسی سابقه دعوی، ما معتقدیم سؤال مذکور باید به صورت ذیل پاسخ داده شود:

چنانچه در مسئولیت محض، سبب دعوا، پیش از زمان اجرایی شدن اصلاح قانون مسئولیت مدنی واشنگتن به وجود آمده باشد - این اصلاحات در کد اصلاح شده واشنگتن بخش ۷.۷۲.۰۱۰ و مابعد تدوین شده است - ، منطبق بودن محصول با عرف های صنعتی و استانداردها، همیشه به عنوان یک عامل مرتبط در ارزیابی انتظار متعارف مصرف کننده عادی قابل پذیرش است. هر چند پاسخ ما منفی است.

حقیقی که برای ما مسجل شده، این است که خواهان دادگاه فدرال یعنی ملوین لندهارت،<sup>۱</sup> بعد از اتمام راندگی و پارک کردن خودروی «ون فورد»<sup>۲</sup> خود، حین خارج شدن از خودرو به علت لغزیدن آن به عقب درحالی که تلاش می کرده ماشین در حال حرکت را متوقف نماید، مصدوم شده است. وی به دلیل نقص در سیستم انتقال نیرو، علیه کمپانی فورد موتور، دعوی مسئولیت محض اقامه نمود. در دادگاه، کارشناس معرفی شده از سوی لندهارت، به طور خاص، در مورد طراحی معیوب قطعات آن و نیز به طور کلی درباره سیستم انتقال نیرو ابراز عقیده کرد. او معتقد بود تغییرات جزئی در دو قطعه از قطعات آن، ویژگی های خطرناک سیستم انتقال نیرو را از بین می برد. بخش اصلی شهادت وی مبتنی بر تفاهم نامه داخلی کمپانی فورد موتور بود، اما به سیستم های انتقال نیروی دیگر تولیدکنندگان و نیز مقایسه سیستم انتقال نیروی فورد موتور با آن ها اشاره ای ننمود.

1. Melvin Lenhardt

۲. یک اتومبیل ون از کارخانه فورد (Ford van).

در رد نظر فوق، خواننده دادگاه فدرال (کمپانی فورد موتور)، دلیلی در خصوص عرف صنعتی در طراحی سیستم‌های انتقال نیرو ارائه نمود. دلیل ارائه شده مشتمل بر شهادات کارکنان سابق و فعلی شرکت فورد بود مبنی بر اینکه دیگر تولیدکنندگان نیز از قطعات طراحی شده مشابه استفاده می‌کنند و سیستم‌های انتقال نیروی آن‌ها مشابه شرکت فورد طراحی شده است و نیز اینکه ماشین‌های دیگر تولیدکنندگان نیز در حالت پارک به سمت عقب لغزش دارند. دادگاه فدرال حکم به رد این دلیل صادر کرد زیرا به انتظار متعارف مصرف‌کننده عادی ارتباطی ندارد. هیأت‌منصفه با اشاره به این قاعده روشن (عدم ارتباط عرف صنعتی با انتظار متعارف مصرف‌کننده عادی) که (تخطی از انتظار متعارف مصرف‌کننده عادی) یک تقصیر محسوب می‌شود، در خصوص دعوای تجدیدنظرخواسته لندهارت علیه فورد أخذ تصمیم نمود.

در ابتدا باید بین دو نوع دلیل که ممکن است در دعوای مسئولیت ناشی از تولید ارائه شود، تمایز قائل شویم:

(۱) دلیل مربوط به کیفیت هنر

(۲) دلیل مربوط به عرف صنعتی

این مفاهیم همیشه مترادف نیستند و فی‌نفسه انواع گوناگونی از معیارها را دربرمی‌گیرند. [بنگرید] به دعوای «کانتو» علیه کمپانی «جان دپیر» در سال ۱۹۷۹.<sup>۱</sup> نخستین مفهوم ناظر به امکان فنی جایگزین کردن طرح محصول با طرح‌های امن‌تر در زمان ساخت محصول است؛ درحالی‌که مفهوم اخیر اشاره دارد به رویه و عرف مربوط به طرح یا تکنیک ساخت خاص که توسط عمده تولیدکنندگان در آن صنعت مورد استفاده قرار می‌گیرد. [بنگرید] به دعوای شرکت «سی اف. بوتلاند» از «هوستون» علیه «بیلی»<sup>۲</sup> و دعوای «شون» علیه شرکت «یو اس ام»<sup>۳</sup> در برخی وضعیت‌های عملی این مفاهیم ممکن است ادغام شوند؛ باین‌حال، در دعوای حاضر تمایز این دو مفهوم مشهود است. بر این اساس، تنها

1. Cantu v. John Deere Co., 24 Wn. App. 701, 603 P.2d 839 (1979).

2. Cf. Boatland of Houston, Inc. v. Bailey, 609 S.W.2d 743 (Tex. 1980).

3. Chown v. USM Corp., 297 N.W.2d 218 (Iowa 1980).

مسئله از نظر ما، قابل پذیرش بودن عرف صنعتی است آن هنگام که توسط خواننده به عنوان دلیلی دالّ بر انتظار متعارف مصرف کننده عادی ارائه شود.

در دعوی «آلمر» علیه کمپانی فورد موتور، این دادگاه دکتترین مسئولیت محض، موضوع بخش ۴۰۲ الف. از اعلامیه دوم مسئولیت مدنی (مصوب ۱۹۶۵) را به عنوان مبنایی بر مسئولیت تولیدکننده پذیرفته است. در دعوی «سیاتل فرست ناتل بانک» علیه «تابرت»<sup>۱</sup>، ما بخش مزبور (۴۰۲ الف.) را در دعوایی اعمال و مقرر نمودیم که در خصوص طرح معیوب اقامه شده بود:

بنابراین ما حکم می‌نماییم که اگر یک محصول به نحو متعارف ایمن نباشد مسئولیت براساس بخش ۴۰۲ الف. اعمال می‌گردد. این بدین معناست که محصول باید به قدری غیرایمن باشد که خارج از تصور متعارف یک مصرف کننده عادی باشد. این ارزیابی از محصول، با لحاظ انتظارات متعارف مصرف کننده عادی، به ارزیاب واقعه اجازه می‌دهد که ماهیت واقعی محصول را مدنظر قرار دهد. خریدار یک «فولکس واگن»<sup>۲</sup> نمی‌تواند انتظارات متعارفی که خریدار یک خودروی گران تر و با درجه ایمنی بالاتر مانند «کادیلک»<sup>۳</sup> از خودروی خود دارد، داشته باشد. این نکته را باید در نظر داشت که ما با یک مفهوم نسبی مواجهیم نه با یک مفهوم مطلق. در تعیین انتظارات متعارف مصرف کننده عادی، عوامل متعددی باید در نظر گرفته شود. ممکن است در یک پرونده، هزینه نسبی محصول، شدت آسیب بالقوه از عیب مورد ادعا و هزینه و امکان از بین بردن یا کم کردن خطر، از عوامل مرتبط (در تعیین انتظارات متعارف مصرف کننده) باشند. در موارد دیگری، ماهیت محصول یا ماهیت عیب ادعایی ممکن است عوامل دیگری را به موضوع مرتبط نماید.

کمپانی فورد موتور استدلال می‌کند عرف صنعتی که از طرح‌های منتخب دیگر تولیدکنندگان به دست می‌آید، یک عامل مرتبط در تعیین انتظار متعارف مصرف کننده عادی است که ما مخالف این استدلال هستیم.

1. Seattle-First Nat'l Bank v. Tabert, 86 Wn.2d 145, 154, 542 P.2d 774 (1975).

2. Volkswagen

3. Cadillac

به منظور تنقیح موضوع بر پایه نظریه «مسئولیت محض»، لازم نیست خواهان، معیوب بودن محصول را به عنوان یک موضوع مجزا ثابت نماید. [بنگرید] به دعوی «برنال» علیه کمپانی آمریکایی «موتور هوندا».<sup>۱</sup> طرح موضوع [بر اساس نظریه مسئولیت محض] در صورتی مجاز است که بنا بر تشخیص هیأت منصفه، محصول به میزانی خارج از تصور مصرف کننده عادی خطرناک باشد. [بنگرید] به دعوی «املاک رایدر» علیه شرکت «کلی - اسپرینگفیلد تایر».<sup>۲</sup> مصرف کننده عرفاً انتظار دارد محصولی که خریداری می کند به نحو متعارفی ایمن باشد؛ اگر طراحی آن به گونه ای باشد که این انتظار را برآورده نسازد، چنین طرحی ضرورتاً معیوب است. [بنگرید] به دعوی «ویسمن» علیه کمپانی «گودیر تایر» و «رابر».<sup>۳</sup> همان طور که در موارد متعددی روشن شده است، حوزه قضایی ما<sup>۴</sup> رویکردی خریدارگرا دارد لذا از نظر ما قاعده مسئولیت محض بر «محصول» متمرکز می شود نه بر اعمال فروشنده یا تولیدکننده. [بنگرید] به دعوی املاک رایدر علیه شرکت کلی - اسپرینگفیلد تایر؛<sup>۵</sup> همچنین [بنگرید] به دعوی «لیتل» علیه شرکت «پی پی جی ایندس».<sup>۶</sup> ارائه شواهدی در خصوص عرفها و رویه های صنعتی و یا تولیدکنندگان، تمرکز هیأت منصفه را از انتظارات مصرف کننده به چیزی که تولیدکنندگان انجام داده اند، منتقل می کند. با تمرکز هیأت منصفه بر عرف صنعتی، به نحو ضمنی این تمرکز بر انتخاب طرح خوانده و متعارف بودن آن معطوف می شود. در واقع، این شواهد، مفاهیم تقصیر و رویکرد خریدارگرا را درهم می آمیزد که ما آن را در دعوی املاک رایدر علیه شرکت کلی - اسپرینگفیلد تایر<sup>۷</sup> رد کردیم. این امر برای دعوی مسئولیت محض مبتنی بر بخش ۴۰۲ الف. مناسب نیست.

1. Bernal v. American Honda Motor Co., 87 Wn.2d 406, 411, 553 P.2d 107 (1976).
2. Estate of Ryder v. Kelly-Springfield Tire Co., 91 Wn.2d 111, 113, 587 P.2d 160, 16 A.L.R.4th 129 (1978).
3. Wiseman v. Goodyear Tire & Rubber Co., 29 Wn. App. 883, 631 P.2d 976 (1981).
۴. منظور ایالت واشنگتن است.
5. Estate of Ryder v. Kelly-Springfield Tire Co., 91 Wn.2d 111, 113, 587 P.2d 160, 16 A.L.R.4th 129 (1978).
6. Little v. PPG Indus., Inc., 92 Wn.2d 118, 594 P.2d 911 (1979).
7. Estate of Ryder v. Kelly-Springfield Tire Co., 91 Wn.2d 111, 113, 587 P.2d 160, 16 A.L.R.4th 129 (1978).

در مسئولیت محض، قاعده این است که فروشنده در مقابل استفاده‌کننده یا مصرف‌کننده، مسئول قلمداد شود، حتی اگر تمام مراقبت‌های ممکن را در تهیه و فروش محصول به کار گرفته باشد.

[بنگرید] به دعوای آل‌مر علیه کمپانی فورد موتور، به علاوه شماره ۵۳۱، نقل از اعلامیه دوم مسئولیت مدنی، بخش ۴۰۲ الف، تفسیر شماره ۲.

در مسئولیت محض، خواهان، شرط (خطرناک بودن) یک محصول را که به‌نحو خاصی طراحی یا تولید شده است اثبات می‌کند. در مسئولیت مبتنی بر تقصیر، بحث «اثبات» ناظر است بر متعارف بودن رفتار تولیدکننده در طراحی و فروش محصول به همان صورت که عمل کرده است. [بنگرید] به دعوای «فیلیپس» علیه کمپانی «ماشین کیم وود».<sup>۱</sup> در مسئولیت محض، خواهان، طراحی محصول را همان‌گونه که در محصول نهایی به منصفه ظهور رسیده است در نظر می‌گیرد و نشان می‌دهد که این طراحی هم خطرناک است و هم قرار گرفتن استفاده‌کننده در معرض چنین خطری، غیرمعقول می‌باشد زیرا خواهان در مصرف کردن محصول یا استفاده معمول و بی‌تقصیر از آن، به چنین خطری نمی‌اندیشیده است. [بنگرید] به دعوای «آلر» علیه شرکت تولیدی «راجرز ماخ» (ایالت آیوا ۱۹۷۸).<sup>۲</sup>

اگرچه در ایالت «آیوا» خواهان برای دریافت غرامت باید نشان دهد طراحی به‌نحو غیرمتعارفی خطرناک است، اما اصل مطرح‌شده در دعوای آلر، با اصول مسئولیت محض در این حوزه قضایی مطابقت دارد. خواهان، طراحی محصول را همان‌گونه که در محصول نهایی جلوه‌گر شده مورد توجه قرار می‌دهد و این نشانگر آن است که چنین طراحی‌ای به‌نحو متعارفی ناایمن است؛ چراکه خواهان در استفاده معمول و بی‌تقصیر از این محصول یا مصرف آن به چنین خطری نیندیشیده است. مسئولیت تولیدکننده، بدون توجه به رفتار وی، تنها با لحاظ ویژگی‌های محصولی که تولید کرده است ارزیابی می‌شود و لذا مسئولیت محض بر تقصیر استوار نمی‌گردد. [بنگرید] به دعوای «سی» علیه شرکت «کرایز لر».<sup>۳</sup>

1. Phillips v. Kimwood Machine Company, [269 Or. 485, 493-95, 525 P.2d 1033, 1037 (1974)].

2. Aller v. Rodgers Mach. Mfg. Co., 268 N.W.2d 830, 835 (Iowa 1978).

3. Seay v. Chrysler Corp., 93 Wn.2d 319, 328, 609 P.2d 1382, 9 A.L.R.4th 625 (1980).

غیرمتعارف بودن رفتار خواننده در دعاوی مسئولیت محض یک عامل بی‌ارتباط است. استانداردها و عرف صنعتی که پایه و اساس رفتار خواننده را تشکیل می‌دهد نیز به مسئولیت محض ارتباطی ندارد. این مسئولیت، مبتنی بر یک مفهوم بدون تقصیر است و ارائه شواهدی مبنی بر اینکه دیگر تولیدکنندگان رفتاری مشابه خواننده داشته‌اند نمایانگر مفاهیم مبنی بر تقصیر می‌باشد که با انتظار متعارف مصرف‌کننده عادی، نامرتبط و امری است علی‌حده.

نظریه مزبور نباید به این معنا تلقی شود که شواهد مربوط به استاندارد یا عرف صنعتی در یک دعوی مسئولیت محض هرگز قابل پذیرش نیست. اگر خواهان، شواهدی ارائه دهد که موضوع را مبتنی بر عرف صنعتی یا امکان طراحی جایگزین نماید، ملاحظه این شواهد باید مجاز باشد. [بنگرید] به دعوی «سی اف. کانر» علیه شرکت «اسکاگیت»<sup>۱</sup>، دعوی «لامن» علیه شرکت «داگلاس مک دونالد»<sup>۲</sup> و نیز دعوی «کانتو» علیه شرکت «جان درپیر»<sup>۳</sup>، اما وقتی که خواهان در دادرسی، دعوا را بر این مبنا طرح می‌کند که یک طراحی خاص باعث رخ دادن یک رویداد خاص شده است و ادعا دارد که به لحاظ انتظار متعارف یک مصرف‌کننده عادی در خصوص یک محصول، این طراحی ایمن محسوب نمی‌شود، خواننده نمی‌تواند دلیل اقامه کند که این طراحی با طراحی سایر تولیدکنندگان از منظر عرف صنعتی مطابقت دارد، و به این دلیل که دیگر طراحی‌ها نیز باعث رخ دادن رویداد مشابه چنین رخدادی می‌شود، این محصول نیز عرفاً ایمن به‌شمار می‌آید. اگر محصول به‌گونه‌ای طراحی شده باشد که عرفاً ایمن نباشد، مسئولیت در پی دارد که خواننده در مقام مسئول باید آن را بپذیرد صرف‌نظر از اینکه رفتار وی چه میزان متعارف است. [بنگرید] به دعوی «تیگل» علیه کمپانی «فیشر» و «پورتر»<sup>۴</sup> کمپانی فوردموتور به قانون جدید مربوط به مسئولیت ناشی از تولید اشاره نمود که شواهد مربوط به عرف صنعتی را به عاملی که می‌تواند توسط کارشناسان

1. Cf. Connor v. Skagit Corp., 99 Wn.2d 709, 664 P.2d 1208 (1983).
2. Lamon v. McDonnell Douglas Corp., 91 Wn.2d 345, 588 P.2d 1346 (1979).
3. Cantu v. John Deere Co.
4. Teagle v. Fischer & Porter Co., 89 Wn.2d 149, 159, 570 P.2d 438 (1977).



لحاظ شود، تبدیل نموده است. بنگرید به قسمت (۱) ۷.۷۲.۰۵۰ از کد اصلاح شده واشنگتن. علی‌رغم آنکه خواننده می‌پذیرد این مقررات در پرونده حاضر الزام‌آور نیست [بنگرید به قانون ۱۹۸۱]<sup>۱</sup>، لیکن آن‌ها استدلال کردند که این قانون، یک حکم مربوط به نظم عمومی را بیان می‌کند که باید راهنمای تنظیم سیاست قضایی قرار گیرد. [بنگرید] به دعوای «ساوت» علیه کمپانی «ای.بی. شانس»<sup>۲</sup>. ما کماکان به حکمی که در دعوای ساوت مقرر شد، پایبند هستیم اگرچه به عدم تناسب این دعوای معتقدیم.

قانون جدید مسئولیت ناشی از تولیدات، اصلاحاتی در حقوق مسئولیت ناشی از تولید در ایالت واشنگتن به‌وجود آورده است (قسمت (۱) ۷.۷۲.۰۵۰ از کد اصلاح شده واشنگتن). یکی از تغییرات مهمی که توسط مقنن اتخاذ شده، تغییر استاندارد مسئولیت مربوط به طراحی و هشدار / آموزش عیوب بود. مقنن احساس کرد که عوامل تعادل اعلان شده در دعوای «تابرت»<sup>۳</sup> و «تیگل»<sup>۴</sup> به‌طور ضمنی یک استاندارد تقصیر برای سبب‌های دعوای مسئولیت محض ایجاد کرده است، لذا براساس قانون جدید، استانداردهای تقصیر را به‌عنوان استاندارد مسئولیت برای طراحی و هشدار / آموزش عیوب پذیرفت. (بنگرید به بندهای «الف» و «ب» از قسمت (۱) ۷.۷۲.۰۵۰ از کد اصلاح شده واشنگتن).<sup>۵</sup> و مطابق این تغییر، قواعدی در زمینه اثبات مقرر نمود که به هیأت‌منصفه اجازه می‌دهد در ارزیابی انجام مراقبت توسط تولیدکننده، بیشترین میزان شواهد را بپذیرد.

با این حال، این تغییر قانون، آن قسمت از [حقوق مسئولیت ناشی از تولید را که در این دعوای قابل اعمال است شامل نمی‌شود. انجام مراقبت توسط تولیدکننده و عکس آن یعنی تقصیر وی، موضوعاتی نیست که توسط هیأت‌منصفه لحاظ گردد.

1. Laws of 1981, 1st Ex. Sess., ch. 27, § 15, p. 119; Senate Journal, 47th Legislature (1981), at 637.
2. South v. A.B. Chance Co., 96 Wn.2d 439, 441, 635 P.2d 728 (1981).
3. Tabert
4. Teagle
5. RCW 7.72.030(1)(a), (b); see also Senate Journal, 47th Legislature (1981), at 624-25.

همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد، هیأت‌منصفه بر رفتار تولیدکننده تمرکز نمی‌کند، بلکه تمرکز وی بر محصول است و اینکه آیا از منظر انتظارات یک مصرف‌کننده معمولی، به‌نحو متعارفی ایمن می‌باشد یا خیر.

ما حکم نمودیم که شواهد مربوط به عرف صنعتی در دعاوی، مبتنی بر مسئولیت ناشی از تولید که منشأ دعوا مربوط به قبل از زمان اجرایی شدن «قسمت ۱۰.۷۲.۰۷ و مابعد از کد اصلاح‌شده واشنگتن» است، همیشه قابل پذیرش نیست.

**قضات موافق:** ویلیامز، سی، روزلینی، آتر، دور، پیرسون و کانینگهام، قاضی موقت.<sup>۱</sup>

و اما «دیمیک»<sup>۲</sup> مخالفت خود را چنین ابراز و بیان می‌دارد که مشخص نیست آیا اکثریت قضات به روح سؤال پاسخ داده‌اند یا خیر. خصوصاً این پرسش که: آیا ویژگی‌های محصولات مشابه دیگر سازندگان، عوامل مناسبی هستند تا هیأت‌منصفه در تشخیص ایمنی نسبی محصول سبب حادثه، آن‌ها را لحاظ کند؟ به‌عبارت‌دیگر، آیا عرف صنعتی با انتظارات مصرف‌کننده ارتباط دارد یا خیر؟ آنچه در خصوص مبنای نظریه اکثریت قضات به‌نظر می‌رسد این است که شواهد مربوط به مطابقت کالا با عرف صنعتی، به‌عنوان یک عامل مرتبط با ارزیابی انتظارات متعارف مصرف‌کننده عادی از ایمنی محصول «همیشه قابل پذیرش نیست». مفهوم این امر آن است که اگرچه چنین شواهدی دال بر انتظارات مصرف‌کننده است، اما قابل پذیرش بودن آن منوط به صلاحدید دادگاه می‌باشد. اگر منظور اغلب قضات بر این بنا استوار باشد من نیز با آنان همداستانم، اگرچه موافق نیستم ارتباط شواهد مربوط به عرف صنعتی، به تصمیمات تاکتیکی<sup>۳</sup> خواهان برای بالا بردن امکان جایگزینی طراحی [محصول موضوع دعوا] با یک طراحی احتمالاً ایمن‌تر وابسته شود، بلکه به‌جای آن، عرف صنعتی یک عامل مرتبط به‌حساب

1. Williams, C.J., Rosellini, Utter, Dore, and Pearson, JJ., and Cunningham, J. Pro Tem.  
2. Dimmick, J.

۳. معادل فارسی «تاکتیک» عبارت است از «راهبرد».

می‌آید زیرا به هیأت‌منصفه در تعیین نسبت میان ضررها و منافع طراحی محصول کمک می‌کند. اینکه مصرف‌کننده چه درجه‌ای از ایمنی را در ارتباط با محصول خاص در نظر دارد، ذاتاً یک تصمیم متعارف محسوب می‌گردد. برای ارزیابی متعارف بودن، کارشناسان، خصوصیات ایمنی محصول را در مقابل سودمندی آن ارزیابی می‌کنند لذا من با یافتن شواهد عرف صنعتی مرتبط با انتظارات مصرف‌کننده، به سؤال فوق‌الذکر پاسخ می‌دهم.

اکثریت قضات این‌گونه نتیجه گرفته‌اند که نظم عمومی ابرازشده در بخش (۷.۷۲) از کد اصلاح‌شده واشنگتن، قانون اصلاح‌شده ۱۹۸۱ درخصوص مسئولیت مدنی و مسئولیت ناشی از تولید، رهنمودی ارائه نمی‌دهد که با این نتیجه‌گیری هم‌رأی و هم‌اندیش نیستیم. قسمت (۱) ۷.۷۲.۰۵۰ از کد اصلاح‌شده واشنگتن اجازه می‌دهد کارشناسان، شواهد مربوط به عرف صنعتی مربوط به محصول تولیدشده توسط فروشنده را لحاظ کنند.

تصویب قانون درمورد شواهد عرف صنعتی در پرونده‌های مسئولیت ناشی از تولید، در برخی قسمت‌ها بر این فرض استوار است که معیار انتظارات مصرف‌کننده سابقاً توسط این دادگاه در دعوای سیاتل فرست ناتل بانک علیه تابت<sup>۱</sup> منقح شده است. در این دعوا حکم داده شد که معیار تعادل کاملاً با تجزیه و تحلیل مبنایی هزینه/فایده به‌منظور تعیین تقصیر مرتبط است. (بنگرید به گزارش شماره ۱۷، درخصوص تحول مسئولیت ناشی از تولید و مسئولیت مدنی، کمیته منتخب سنای ایالت واشنگتن (۱۹۸۱))<sup>۲</sup> - من‌بعد، از «این گزارش» با عنوان «گزارش نهایی» یاد می‌شود. - در تعریف «به‌نحو غیرمتعارفی غیرایمن» در پرونده‌های طراحی محصول، مقنن معنای معیار تعادل را که پیش‌تر به‌طور ضمنی در حقوق مسئولیت محض مورد پیروی قرار می‌گرفت، به‌طور صریح بیان نمود. (شماره‌های ۱۷-۱۸ گزارش نهایی). کمیته منتخب سنای ایالت واشنگتن درخصوص تحول مسئولیت ناشی از تولید و مسئولیت مدنی، صراحتاً ابراز عقیده کرد که در تعادل عوامل

1. Seattle-First Nat'l Bank v. Tabert, 86 Wn.2d 145, 542 P.2d 774 (1975).
2. Washington State Senate Select Comm. on Tort & Prod. Liability Reform, Final Report 17 (1981).

مختلف، کارشناسان باید بیشترین میزان از شواهد موجود را در نظر بگیرند. (شماره‌های ۳۹-۴۰ گزارش نهایی). این سیاست قضایی درک مناسبی ایجاد می‌کند خواه مسئولیت ناشی از تولید بر مبنای حقوق پرونده‌محور<sup>۱</sup> لحاظ شود یا بر پایه قانون جدید. من دلیلی بر اصرار بر بنیادهای مذکور در پرونده‌های سابق نمی‌بینم و اکنون معیار تعادل در پرونده تابت را رد می‌کنم تا به نتیجه‌ای مخالف با قانون مسئولیت‌ناشی از تولید برسیم.

قانون جدید مسئولیت ناشی از تولید، معیار انتظارات مصرف‌کننده را به‌عنوان یک عامل در تشخیص مسئولیت برای عیب طراحی ابقاء کرد زیرا معتقد بود با معیار تعادل فعل که برای تشخیص ایمنی متعارف مورد استفاده قرار می‌گیرد، هماهنگ است. (شماره‌های ۳۵-۳۶ گزارش نهایی). تصمیمات ما از این حکم مقنن حمایت می‌کند. براساس دعوای تابت، تشخیص انتظارات متعارف مصرف‌کننده معمولی، نیازمند تعادل عوامل مختلف نظیر هزینه محصول، شدت آسیب و هزینه و امکان حذف یا کم کردن خطر برای مصرف‌کننده است. بنگرید به دعوای «لامن» علیه شرکت «مک دونل داگلاس»؛<sup>۲</sup> «واگنر» علیه شرکت «فلایت کرافت»<sup>۳</sup> زیرا کارکرد این تعادل، ارزیابی متعارف بودن درجه ایمنی محصولی است که به ملکیت استفاده‌کننده عادی درآمده است. این معیار با تحلیل‌های مربوط به تقصیر نیز قابل انطباق می‌باشد. [بنگرید به «بیرندبام»، برداشتن نقاب از معیار عیب طراحی: از تقصیر [تا تضمین] تا مسئولیت محض تا تقصیر؛<sup>۴</sup> توجه شود به مسئولیت محض در مسئولیت مدنی: آیا نسبت به عیب طراحی قابل اعمال است؟]<sup>۵</sup> همان‌طور که در دعوای مبتنی بر تقصیر، ذهن هیأت‌منصفه معطوف به تحقیق از متعارف بودن است، فرض می‌شود مصرف‌کننده عادی، ایمنی مطلق را انتظار نداشته اما ایمنی متعارف مبتنی بر منافی است که محصول ارائه می‌دهد و آسیب بالقوه‌ای تحمیل

1. Case Law

2. Lamon v. McDonnell Douglas Corp., 91 Wn.2d 345, 588 P.2d 1346 (1979).

3. Wagner v. Flightcraft, Inc., 31 Wn. App. 558, 643 P.2d 906 (1982).

4. Birnbaum, Unmasking the Test for Design Defect: From Negligence [to Warranty] to Strict Liability to Negligence, 33 Vand. L. Rev. 593 (1980).

5. Strict Liability in Tort: Is It Applicable to Design Defect?, 20 Washburn L.J. 600 (1981).

می‌کند. پیش از آنکه تولیدکننده برای آسیبی که سبب شده، مسئول تلقی شود، کار هیأت منصفه این است که تصمیم بگیرد برای لذت بردن از محصول، پذیرفتن چه درجه‌ای از خطر اجتماعی مناسب است.

در یک پرونده مسئولیت محض، این تعادل میان خطر و سودمندی، مسئولیت محض را به مسئولیت مبتنی بر تقصیر تبدیل نمی‌کند. بنگرید به دعوای «لیتل» علیه شرکت صنعتی «پی پی جی»<sup>۱</sup>. براساس نظام حقوقی پرونده‌محور ما، خواهان در یک دعوای مسئولیت محض مجبور به اثبات ارتکاب هیچ رفتار تقصیرآمیزی از طرف تولیدکننده نیست. تنها تحقیق مقتضی، ارزیابی ارتباط ایمنی نسبی محصول با چیزی است که مصرف‌کننده ممکن است به‌نحو متعارف انتظار داشته باشد.

ایجاد تعادل توسط هیأت‌منصفه میان خطرات و منافع طبیعی مربوط به طراحی مشتمل است بر ارزیابی اینکه آیا بهبود ویژگی‌های ایمنی محصول ممکن است و آیا این افزایش ایمنی، امری است که مصرف‌کننده معمولی انتظار دستیابی به آن را دارد؟ (البته با لحاظ «هزینه» فراهم آمدن این ایمنی اضافی). یک جنبه مهم هزینه برای مصرف‌کننده، ممکن است تأثیر آن ایمنی بیشتر بر سودمندی محصول باشد. بنگرید به دعوای شرکت «بوتلاند هوستون» علیه «پیلی»<sup>۲</sup>. عرف صنعتی بر این امور دلالت دارد: هزینه و امکان فنی بهبود ایمنی، از دست دادن سودمندی برای آنکه ایمنی بیشتری حاصل شود و موفقیت نسبی در کاهش آسیب بالقوه. [بنگرید] به دعوای «رید» علیه شرکت «تیفین موتور هومز»<sup>۳</sup> و نیز دعوای «بوتلاند هوستون» علیه «پیلی»<sup>۴</sup>. زیرا استاندارد معیوب بودن محصول، مبتنی بر متعارف بودن طراحی است. عرف صنعتی بر عوامل امکان‌پذیر بودن یک امر که هیأت‌منصفه آن‌ها را لحاظ می‌کند، تأثیر می‌گذارد.

بالاین حال، شواهد مربوط به مطابقت با عرف صنعتی نباید یک دفاع قاطع محسوب شود. استانداردهای صنعتی تنها توافق صنعتی بر تعادل مناسب میان

1. See Little v. PPG Indus., Inc., 92 Wn.2d 118, 122, 594 P.2d 911 (1979).

2. Boatland of Houston, Inc. v. Bailey, 609 S.W.2d 743 (Tex. 1980).

3. Reed v. Tiffin Motor Homes, Inc., 697 F.2d 1192 (4th Cir.1982).

4. Boatland of Houston, Inc. v. Bailey.

جنبه‌های مفید و آسیب بالقوه در طراحی است. هیأت‌منصفه کماکان آزاد است تعادل را رد کند و تمام محصولات صنعتی را غیرایمن تشخیص دهد. برای ملاحظه نظر موافق [بنگرید] به دعوی «بک» علیه شرکت «ویکس»<sup>۱</sup> و دعوی «تیبلت» علیه «سپرز»، «روباک»<sup>۲</sup>.

معیار انتظارات مصرف‌کننده، به گونه‌ای که با خطر غیرمتعارف ملازمه داشته باشد، از سوی برخی نویسندگان حقوقی مورد انتقاد قرار گرفته است زیرا این معیار، استانداردهای تولید را ضعیف نگه می‌دارد.<sup>۳</sup> مفاد این نظریه آن است که طراحی «خطرناک» فراگیر، توسط مصرف‌کننده «پیش‌بینی» شده است، به همین دلیل نمی‌توان آن را به نحوی غیرمتعارف، خطرناک دانست. بنا به دیدگاه انتقادی، بی‌عدالتی معیار انتظار مصرف‌کننده این است که تنها این امر را جویا می‌شود که: آیا مصرف‌کننده معمولی این خسارت را لحاظ کرده است یا خیر؟ از آنجاکه منفعت محصول با این «عیب» از هزینه‌های فراهم کردن یک محصول ایمن‌تر کمتر است، بهتر است تحقیق شود که: آیا ریسک خسارت، بزرگ‌تر از چیزی است که مصرف‌کننده معمولی مایل است آن را تحمل کند؟ مطابق این استاندارد، فراگیر بودن طراحی معیوب، تعیین‌کننده نتیجه نخواهد بود. هیأت‌منصفه سنگینی خسارت و جنبه‌های سودمند را در نظر می‌گیرد و هر طراحی‌ای را که ریسک غیرمتعارف به بار می‌آورد - ولو معمول باشد - رد می‌کند.

حتی اگر پیشنهاد اکثریت قضات مبنی بر اینکه تنها خواهان با مبتنی کردن دعوا بر نظریه امکان‌پذیر بودن می‌تواند به عرف صنعتی مرتبط تمسک نماید پذیرفته شود، این دعوا با این معیار در تعارض است. خواهان (لندهارت) اذعان می‌کند که تغییرات ارزان‌قیمت طراحی، نقص سیستم انتقال نیرو را اصلاح می‌نماید. اساساً خواهان مدعی است که طراحی یک سیستم انتقال نیروی ایمن‌تر امکان‌پذیر است. هیأت‌منصفه می‌تواند این ادعا را ارزیابی، و اظهارات طرفین دعوا را

1. Back v. Wickes Corp., 375 Mass. 633, 378 N.E.2d 964 (1978).

2. Thibault v. Sears, Roebuck & Co., 118 N.H. 802, 395 A.2d 843 (1978).

3. See, e.g., J. Beasley, Products Liability and the Unreasonably Dangerous Requirement 399 (1981).

استماع نماید و تأثیر ادعای امکان‌پذیر بودن را بر مسئله نهایی (اینکه آیا محصول به‌نحو غیرمتعارفی نایمن طراحی شده است؟) بسنجد. من حکم می‌دهم که عرف صنعتی دالّ بر ایمنی متعارف است و لذا با انتظارات مصرف‌کننده عادی مرتبط می‌باشد. «دولیور»<sup>۱</sup> موافق با «دیمیک»<sup>۲</sup> است.

1. Dolliver, J.
2. Dimmick, J.